

جرم انگاری اظهار خلاف واقع مطلع در حقوق ایران^۱

علمی - پژوهشی

جمال بیگی *

سید رضا موسوی **

چکیده

عدالت قضایی از بزرگترین اهداف هر نظام قضایی است که در نظام های حقوقی به عنوان یک ارزش مطرح شده است. اهتمام دین اسلام نیز بر اجرای عدالت و اقامه حق بر اساس موازین شرعی در این زمینه مشهود می باشد. اجرای عدالت قضایی از یک طرف مستلزم مشارکت شهروندان در ارائه به موقع و صحیح اطلاعات از وقوع جرم بوده و از طرف دیگر اقدامات دقیق و سریع دستگاه قضاء را طلب می نماید. هر اقدامی که کشف جرم و شناسایی متهم را با تأخیر مواجه ساخته و موجبات گمراه نمودن قضات رسیدگی کننده به پرونده و فرار متهم از چنگال عدالت را فراهم می نماید یا به کاهش نقش آنان در وقوع بزه انجامیده و یا افراد بی گناهی را در مظان اتهام قرار دهد، اجرای عدالت را در هاله ای از ابهام قرار داده و النهایه نظم و امنیت و منافع عمومی جامعه در معرض تهدید قرار خواهد گرفت. در نهایت در این پژوهش با استفاده از روش توصیفی و تحلیلی چنین نتیجه گیری می شود که اظهارات خلاف واقع علاوه بر عواقب سوء در روند رسیدگی به پرونده ها و اطاله دادرسی، موجب بدبینی مردم به دستگاه قضاء می گردد، قانون گذار ایران به جزء در موارد خاص به دلیل نبود فصلی مستقل با نام جرایم علیه عدالت قضایی توجه خاصی به جرم اظهارات خلاف واقع مطلع به مثابه جرم علیه عدالت قضایی ننموده و ضرورت نگاه نوین در زمینه جرم انگاری اظهارات خلاف واقع در راستای اجرای عدالت قضایی را می طلبد.

کلیدواژه‌ها: مطلع، اطلاعات مطلع، اظهار خلاف واقع، جرم علیه عدالت قضایی.

۱- تاریخ وصول: (۱۳۹۹/۰۹/۲۴) تاریخ پذیرش: (۱۴۰۰/۰۴/۱۵)

* دانشیار، گروه آموزشی حقوق جزا و جرم شناسی، واحد مراغه، دانشگاه آزاد اسلامی، مراغه، ایران
(نویسنده مسؤول) Jamalbeigi@iau_maragheh.ac.ir

** دانشجوی دکتری تخصصی حقوق جزا و جرم شناسی، واحد مراغه، دانشگاه آزاد اسلامی، مراغه، ایران
sr.mousavi@yahoo.com

مقدمه

اجرای عدالت قضایی یکی از آرمان های مهم جامعه بشری است که همواره مورد توجه ادیان الهی، مکاتب مختلف، اندیشمندان و مصلحان اجتماعی بوده است. یکی از لوازم و پیش شرط های اساسی اجرای عدالت، شناسایی و مقابله با عواملی است که در فرآیند عدالت قضایی ایجاد اخلال می کنند. بنابراین جهت حاکمیت عدالت قضایی در جامعه می بایست، اعمالی که مانع تحقق عدالت قضایی هستند جرم انگاری شده و مباشران، شرکاء و معاونین این اعمال مجازات شوند؛ زیرا عدالت قضایی، آمیخته با قضاوت و دادگری است. بر این اساس از مهمترین مراحل فرآیند دادرسی کیفری مرحله تحقیق و رسیدگی است زیرا کوشش قضات در این مرحله کشف حقیقت، شناسایی بزهکاران واقعی و مساعی در جهت عدم تضييع حقوق اشخاصی که در تکوین رفتار مجرمانه دخیل نبوده با رعایت اصل شخصی بودن جرم و مجازات گسترده به منظور دستیابی به عدالت قضایی بر مدار قانون با حفظ حقوق متهم می باشد. با مذاقه در ضرورت جرم انگاری اظهارات خلاف واقع متهم و سزادهی مرتکب آن به جهت اخلال در فرایند دادرسی به عنوان یکی از جرایم علیه عدالت اطلاعات خلاف واقع به مقام قضایی می تواند سبب انحراف ذهن مقام قضایی شود این عمل خلاف نظم عمومی می باشد، صرف این عمل مجرمانه بوده و بایستی در راستای حراست از فرایند مقدس دادرسی و نیز مقام و شأن دادرسی یا قاضی تحقیق اراده اطلاعات غلط و کذب قابل سزادهی باشد. اگرچه صرف این عنوان در قانون مجازات اسلامی صریحاً جرم انگاری نشده است اما حاکی از آن است که حرمت اظهار خلاف واقع مطلع در فقه اسلامی، امری مسلم و پذیرفته شده است و به جهت ایجاد اخلال در فرایند دادرسی به عنوان یکی از جرایم علیه عدالت قضایی قابلیت جرم انگاری این رفتار و سزادهی مرتکب آن وجود دارد.

هدف اصلی این پژوهش عبارت است از ضرورت جرم انگاری اظهار خلاف واقع مطلع در حقوق ایران و اهداف فرعی پژوهش عبارتند از تبیین توجیهات جرم انگاری حقوقی و شرعی و عرفی اظهارات خلاف واقع مطلع و تصویب «اظهارات خلاف واقع مطلع» به عنوان جرم علیه عدالت قضایی. سوال اصلی این پژوهش عبارتست از: ضرورت جرم انگاری به مثابه جرم علیه عدالت قضایی چیست؟ سوالات فرعی پژوهش نیز عبارتست از توجیهات شرعی جرم انگاری اظهارات خلاف واقع مطلع برپایه آیات قرآنی و روایات اسلامی و اقوال فقهای اسلامی چیست؟ و توجیهات عرفی در زمینه جرم انگاری اظهارات خلاف واقع مطلع چیست؟ فرضیه اصلی پژوهش عبارتست از ضرورت جرم انگاری به مثابه جرم علیه عدالت قضایی که از عواقب سوء در روند رسیدگی به پرونده ها و اطاله دادرسی و بدبینی مردم به دستگاه قضاء ممانعت می نماید. فرضیه های فرعی پژوهش نیز عبارتست از اظهارات خلاف واقع مطلع مانند شهادت کذب موجبات بی عدالتی در فرآیند کیفری گردیده، از این جهت نوعی اتحاد طریق در مقابله با اظهارات خلاف واقع مطلع مانند شهادت کذب، در آموزه های کیفری اسلام وجود دارد و توجیهات عرفی در زمینه جرم انگاری اظهارات خلاف واقع مطلع

عبارتست از اصل لاضرر و اخلاق‌گرایی قانونی و اصل مصلحت عمومی می‌باشد و روش تحقیق در این پژوهش توصیفی و تحلیلی می‌باشد، در این نوع از روش تحقیق، محقق علاوه بر تشریح و تبیین آنچه هست به تحلیل دلایل چگونه بودن و چرایی وضعیت مسئله و ابعاد آن می‌پردازد. در این نوع از روش تحقیق برای تبیین و تحلیل دلایل، نیاز به تکیه‌گاه استدلالی محکمی می‌باشد. این تکیه‌گاه از طریق تحلیل در مباحث تحقیق فراهم می‌شود. محقق از نظر منطقی جزئیات مربوط به مسئله تحقیق خود را با گزاره‌های کلی مربوطه ارتباط داده و به نتیجه‌گیری می‌پردازد.

همچنین در خصوص پیشینه پژوهش لازم به توضیح می‌باشد: بیگی (۱۳۹۸)، در مقاله‌ای با عنوان «نگاهی به جرم کتمان حقیقت و لزوم جرم‌انگاری آن به مثابه جرم علیه عدالت قضایی» معتقد است: در دستگاه قضایی به جای اینکه به جهت کتمان حقیقت، روند رسیدگی چندین سال به طول بیانجامد با ارائه گفتاری مبنی بر حقیقت، علاوه برداشتن وجدانی آسوده، شرایط یک دادرسی عادلانه فراهم گردد بنابراین بنظر می‌رسد به عقیده وی، توجه به جرم‌انگاری کتمان حقیقت به مثابه جرم علیه عدالت قضایی که می‌تواند اظهارات خلاف واقع را هم شامل گردد ضرورت می‌یابد. محقق داماد (۱۳۸۵)، با کتاب «قواعد فقه ۳» روایت می‌کند، در سیره امام علی (ع) در این خصوص ذکر شده است که اگر کسی شهادت دروغ می‌داد امام علی (ع) در صورتی که اهل شهر دیگری بود او را به همان شهر می‌فرستاد و اگر مقیم شهر بود او را به بازار می‌فرستاد. در هر حال او را میان قبیله خود یا بازار شهر می‌گرداند. آنگاه او را در چند روز حبس نموده و سپس آزاد می‌کرد و هم چنین طباطبایی در کتاب المیزان فی تفسیر القرآن (۱۳۶۲) اعلام می‌دارد شهادت حقی است که خداوند آن را بین بندگان خود مقرر فرموده و بر ایشان واجب است که آن را بدون تحریف آن‌چنان که هست، اقامه کنند و چیزی از آن را کتمان ننمایند، همچنان که از همین نظر گفته می‌شود «دین خدا» دین، روش بندگان خداست و نیز فرموده است: [وَأَقِيمُوا الشَّهَادَةَ لِلَّهِ... وَلَا تَكْتُمُوا الشَّهَادَةَ]. برخلاف پژوهش‌های قبلی، در پژوهش حاضر مضاف بر تبیین توجیهات نظام حقوقی در زمینه ضرورت جرم‌انگاری اظهارات خلاف واقع مطلع توجیهات شرعی بر پایه آیات قرآنی و روایات اسلامی و اقوال فقهای اسلامی و توجیهات عرفی بر پایه اصل لاضرر و اخلاق‌گرایی قانونی و اصل مصلحت عمومی در خصوص ضرورت جرم‌انگاری اظهارات خلاف واقع مطلع مورد مطالعه قرار می‌گیرد و طرحی با چنین رویکردی می‌تواند در حوزه تحصیل دلیل برای دستگاه قضایی راه‌گشا باشد.

۱- مفهوم‌شناسی و بنیان‌های نظری موضوع

۱-۱- مطلع

مطلع در لغت به معنای خبردهنده، آگاه و خبردار و دانا و باوقوف و در اصطلاح عبارتست از

اینکه؛ کسی که اطلاع او از واقعه محسوسی که رخ داده ناشی از حس خود او نبوده، بلکه به واسطه دیگران علم به آن واقعه پیدا کرده باشد خواه علم او قطعی و یا ضنی باشد. بنابراین شخصی به عنوان مطلع نامیده می شود که از لحاظ حقوقی به صورت مستقیم نمی تواند شاهد به وقوع پیوستن یک جرم باشد. بر این اساس در روند تحقیقات در مراجع قضایی اگر فردی بگوید که شاهد وقوع جرم بوده است، طبق همین گفته، او شاهد شناخته شده و شهادت وی قبول است و همین شهادت برای شروع تحقیقات کافی است. ولی اگر شخصی، بگوید که به نحوی از جرم رخ داده مطلع شده است، نمی توان فقط با استناد به آن تحقیقات را شروع کرد.

۱-۲- اظهارات مطلع

اظهارات جمع اظهار کردن، تقریرات، بیانات، گفته‌ها و اقوال است. اولین معنا و مفهومی که از شنیدن کلمه اظهارات به ذهن متبادر می شود اظهاراتی است که به وسیله زبان بیان می گردد، ولیکن اظهارات می تواند به شیوه های مختلف ارائه گردد. به طور مثال وکیلی که برای دفاع از موکل در جلسه دادگاه حضور می یابد و به صورت شفاهی به دفاع می پردازد و یا اینکه به صورت کتبی لایحه ارائه می دهد، کارشناس در مقام کارشناسی نظرش را اعلام می کند، نمونه هایی از اظهارات است. (کریمی و شکوهی زاده، ۲۱۹، ۱۳۸۸) در رابطه با اطلاعات و اظهارات مطلعان و نیز شهادت و معانی لغوی و اصطلاحی و تعریف آن در لسان حقوقدانان مطالب متعددی بیان ارائه گردیده که نیازی به تکرار آن نیست و بر اساس تعریفی مشهور میان فقها شهادت عبارت است از اخباری جزمی، به حقی از آن دیگری، از سوی شخصی غیر قاضی. (جاور و هوشمند فیروزآبادی، ۶۸، ۱۳۹۹) و در حالی که اظهارات مطلع بنحو غیر مستقیم و علم مطلع خواه قطعی است خواه ضنی. لازم به توضیح است در نظام های مبتنی بر اقتاع وجدان قاضی، احتیاج کمتری به تعیین شرایط و موانع متعددی برای اعتبار شهادت وجود دارد. (ابهری و تقی پور، ۱۴، ۱۳۹۸)

اظهارات مطلع به دو صورت تحریری و شفاهی ارائه می گردد که در اظهارات تحریری؛ بیانات و تقریراتی است که نوشته شده باشند و برخلاف اظهارات زبانی است، نتیجه اینکه اظهاراتی، تحریری می باشد که از طریق کتابت و نوشتن صورت بگیرد چه اظهارات تحریری در نزد مقام قضایی و چه لایحه دفاعیه ای که به دادگاه تقدیم می گردد و در اظهارات شفاهی، به اظهاراتی که تحریری نباشد و به صورت نطق یا اعلام مطالب با استفاده از بیان باشد اظهارات شفاهی گفته می شود. آنچه ضرورت دارد این است که از بیان برای اعلام اظهارات صورت گیرد (جعفری لنگرودی، ۷۲، ۱۳۸۳) و در برابر این نوع از اظهارات، اظهارات غیرلفظی قرار دارد اظهاراتی که می تواند به صورت ایما و اشاره باشد.

۱-۳ - اظهارات خلاف واقع

برای آنکه مفهوم خلاف واقع را بدانیم لازم است که ابتدا مفهوم واقع و واقعیت تبیین گردد. واقعیت یعنی، اظهاراتی که صحیح باشد و مطابق با واقع باشد مفهوم واقعیت در گذشته بیان گردید. همان‌گونه که بیان شد واقعیت اتفاقی است که افتاده یا می‌افتد بدون اینکه باید یا نباید آن مورد نظر باشد. (انصاری دزفولی، ۱۴۱۵، ۴۲۱) به عبارتی می‌توان گفت اظهاراتی که دروغ نباشد مطابق با واقع است. حقیقت شامل ذات هر چیزی بوده و غیرقابل تغییر است و به همین دلیل برخلاف واقعیت، حقیقت امری است که لزوماً با برهان‌های علمی قابل اثبات نیست. در بسیاری موارد حقیقت به دلیل اینکه از دسترس انسان به حیطة ذات به دور است به نوع نگرش افراد بستگی پیدا می‌کند. اگر در ریشه‌ی واژگان حقیقت و واقعیت دقیق شویم، تفاوت‌هایی را مشاهده می‌کنیم. ریشه‌ی کلمه‌ی حقیقت، حق به معنای راستی و درستی است و ریشه کلمه‌ی واقعیت، وَقَعَ به معنای روی دادن و یا اتفاق افتادن است. حقیقت، اشاره به ماهیت راست و درست دارد و واقعیت اشاره به امور عینی و یا اموری که اتفاق می‌افتند. (بوشهری، پیشین، ۷۵) در جامعه و عرف در بین مردم غالباً دو واژه واقعیت و حقیقت در یک معنا به کار می‌روند، ما هم در این پژوهش معنای عرفی آن را مدنظر خواهیم داشت. با توضیح مختصری که در این خصوص ارائه گردید می‌توان گفت؛ خلاف واقع به معنی آن است که موضوعی را برخلاف آنچه که رخ داده است یا وجود دارد و یا اینکه به وقوع پیوسته است و یا حقیقت آن است، بیان گردد. بر خلاف واقع در قرآن کریم آیه ۱۰۵ سوره نحل نیز بدین معنی آمده است (انما یفتتری الکذب الذین لا یؤمنون بآیات الله و اولئک هم الکاذبون، دروغ را فقط کسانی می‌سازند که آیه‌های خدا را باور ندارند و آن‌ها خودشان دروغ‌گویان‌اند). برخلاف واقع دارای سابقه فقهی نیز می‌باشد و در فقه به معنی دروغ آمده است برخلاف واقع درجایی نمود پیدا می‌کند که فردی در مقام بیان رخدادهای گذشته و یا واقعیت موضوعی، خلاف آن را بیان نماید. به‌طور مثال کارشناس در بیان ارزش مال مورد کارشناسی ارزش واقعی مال را بیان نکند و ارزشی فراتر از ارزش واقعی را اظهار نماید. اظهارات خلاف واقع در مقابل اظهارات واقعی قرار می‌گیرند. اظهاراتی که منطبق با واقعیت نیست در اغلب موارد فرد دارای حسن نیت نمی‌باشد. به‌طور مثال فردی که نسبت به یک ملک معامله ایی نموده است بعدازآن در پاسخ فردی که از او در خصوص معامله ملک سؤال می‌کنند، بیان می‌دارد که من معامله ایی در خصوص این ملک انجام نداده‌ام. غالب اظهارات خلاف واقع سبب بروز خسارت اعم از مادی و معنوی به افراد می‌گردد. در لغت به وهمی که توأم با عمد است اطلاق می‌شود و فقها اکثراً شهادت کذب را تعریف نکرده و بیشتر با آثار شهادت کذب و رجوع از شهادت پرداختند (ابن ادریس حلی و محمد بن منصور بن احمد، ۱۴۱۰، ۶۵) ولی بعضی از فقها شهادت کذب را شهادت به باطل به‌صورت عمدی تعریف نموده‌اند. در قانون مجازات عمومی فرانسه نیز اظهارات

کذب مطلعان به عنوان جرم تعریف نشده است ولی ممکن است آن را این گونه تعریف کرد که اظهارات خلاف واقع یا دروغ عبارت است از اظهاراتی که یک نفر شاهد برخلاف حقیقت و با قصد گمراه کردن قاضی به طور غیرقابل رجوع در عدلیه بیان می‌دارد در انگلیس بخش (۱) قانون شهادت کذب ۱۹۱۱ این جرم را این گونه تعریف نموده است که هر شخصی که به عنوان یک شاهد یا مترجم یا مفسر به طور قانونی در جریان دادرسی عمداً اظهاراتی بیان دارد که در امر دادرسی مهم و مؤثر باشد و در عین حال بداند که اظهاراتش نادرست است یا اعتقادی به صحت آن نداشته باشد، یا به صحت و سقم اظهارات خویش بی تفاوت باشد، متهم به شهادت کذب خواهد شد. برخی از حقوق دانان نیز اظهارات کذب را این گونه تعریف نموده‌اند که اظهارات کذب آن است که شخص پس از ادای سوگند و التزام به حقیقت‌گویی، در مرجع قضایی به عمد نه از روی سهو یا اشتباه، در امر مهم دروغ بگوید. (بوشهری، ۱۳۸۷، ۲۹۳) با توجه به تعریف و مفهیمی که از واژه کذب ارائه و تعریف اظهارات ارائه گردید، و مدنظر قراردادن ماده ۶۵۰ قانون مجازات اسلامی می‌توان شهادت کذب را اظهارات خلاف واقع شخص ثالث نزد قاضی من بیده الحکم پس از التزام به راست‌گویی به قصد وارونه جلوه نمودن حقیقت تعریف نمود. از این تعریف برمی‌آید که: اولاً؛ با توجه به لفظ ثالث در تعریف فوق بزه مذکور در توسط طرفین دعوا قابل ارتکاب نیست. بنابراین اقرار و قسم کذب از دایره شمول این تعریف خارج است؛ ثانیاً این جرم از طریق فعل مثبت یعنی ادای الفاظ قابل ارتکاب است و ثالثاً با توجه به عبارت قاضی من بیده الحکم اظهارات کذب در تمامی نهادهای قضایی غیر از دادگاه از دایره تعریف مزبور خارج است. رابعاً؛ از عبارت به قصد وارونه جلوه دادن حقیقت چنین مستفاد می‌شود که بزه بیان اظهارات کذب از جرائم عمدی است. لازم به ذکر است که تعریف فوق که مقتبس از ماده ۶۵۰ قانون مجازات اسلامی است جامعیت نداشته و شامل مواردی مانند شهادت در دادسرا یا نهادهای اداری و شبه قضایی نمی‌شود که آن هم ناشی از شمول ماده ۶۵۰ به عنوان عنصر قانونی بزه شهادت کذب است.

۱ - ۴ - اظهارات خلاف واقع بر پایه علم و جهل مطلع

در برخی از موارد که فرد اظهاراتی دارد نسبت به خلاف واقع بودن آن اطلاعی ندارد. ولی غالباً افراد در اظهارات خلاف واقعی که دارند نسبت به خلاف واقع بودن آن علم دارند و با توجه به آن، اظهارات را بیان می‌دارند. مانند اینکه شهادی در جلسه دادگاه حضور می‌یابد و با توجه به اینکه می‌داند طرف مقابل ذی‌حق است، اما در بیان اظهارات خود مطالبی را اعلام می‌دارد، که خلاف واقع است (دیانی، ۱۳۸۹، ۴۵). یا اینکه وکیل دادگستری علی‌رغم اینکه می‌داند موکلش حقی ندارد، در جلسه دادگاه اظهارات خلاف واقعی دارد، که منطبق با واقعیت اتفاق افتاده در رابطه با اطراف پرونده نیست.

گاهی اوقات شخص ملک دیگری را با عنوان ملک خود به فروش می‌رساند که علاوه بر اینکه دارای مسئولیت کیفری است دارای مسؤولیت مدنی نیز می‌باشد، که این عمل معرفی نمودن ملک دیگری به عنوان ملک خود، اظهار خلاف واقع است. نتیجه اینکه اظهارات خلاف واقع، با علم به آن، اظهاراتی است که گوینده آن توجهی به واقعیت موجود علی‌رغم اینکه به آن علم دارد ندارد و بدون توجه به آن اظهاراتی برخلاف آن دارد و در برخی از موارد فرد در اظهاراتی که دارد نسبت به خلاف واقع بودن آن اطلاعی ندارد. در این خصوص می‌توان قائل به تفکیک بود و این نوع از اظهارات خلاف واقع را می‌توان به دودسته تقسیم نمود؛ صورت اول فرد با توجه به تخصصی که دارد نسبت به موضوع اظهار نظر می‌نماید و به تصور خود نظرش مطابق با واقع است. ولیکن فرد در اظهاری که داشته دچار اشتباه شده است (فرهودی نیا، ۱۳۸۱: ۷۷) و دسته دوم فرد مطلبی را از یک منبع دیگر نقل می‌نماید ولیکن اصل موضوع خلاف واقع بوده است و گوینده نسبت به آن اطلاعی نداشته است با این حال این مطالب را بیان نموده است. (شکری و سیروس، ۱۳۸۵: ۷۹)

۲- توجیهات ضرورت جرم انگاری اظهارات خلاف واقع مطلع

۲-۱- توجیهات شرعی

در نظام‌های سیاسی دینی که حقوق کیفری آن‌ها متأثر از آموزه‌های و وحی الهی است، جرم انگاری در حوزه ارزش‌های اساسی دین، به معنای بیان، اعلام و قانون‌گذاری کیفری درباره جرائم و مجازات‌ها شرعی است. بدیهی و روشن است که حقوق اسلام با نظریه‌های فقهی توسعه و گسترش یافته است و فقیهان مسلمان در هر عصر و زمان با پاسخگویی به مسائل و موضوع‌های مطرح در زمان خویش به گسترش و تعمیق آن پرداختند. آموزه‌های فقهی ضمن اینکه بر اساس اصول راهنمای اسلام یعنی کتاب و سنت طرح‌ریزی شده، تاریخی و متأثر از شرایط زمان و مکان بوده است. (بیگی، ۱۳۹۶، ۱۵۰-۱۵۱) در سیاست جنایی اسلام، تحریم اظهارات شاهد از محرمات شرعیه قابل تعقیب و مجازات دانسته شده است، در این راستا با توجه به اینکه اظهارات مطلع در حل و فصل اختلافات و دعاوی کیفری و اجرای عدالت نقش تعیین‌کننده دارد، اظهارات خلاف واقع مطلع نیز مانند شهادت کذب موجبات بی‌عدالتی در فرآیند کیفری گردیده، از این جهت نوعی اتحاد طریق در مقابله با اظهارات خلاف واقع مطلع مانند شهادت کذب، در آموزه‌های کیفری اسلام وجود دارد. لذا تحریم مذهبی به عنوان عقاید زیربنایی قانون‌گذار درباره تأثیرهای اجتماعی، در کنار ارزیابی‌های هزینه فایده، به گونه‌ای جرم انگاری اظهارات خلاف واقع مطلع را تأیید می‌کند.

۲-۱-۱- آیات قرآنی

در خصوص نکوهش اظهارات (شاهد یا مطلع) و عقوبت آن، آیه ۳۰ سوره حج «وَأَجْنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ» به اجتناب از گفتار باطل [شهادت ناحق] اشاره نموده است و همچنین در آیه ۷۲ سوره فرقان «وَالَّذِينَ لَا يَشْهَدُونَ الزُّورَ» به جایگاه اشخاصی که به جهت عدم گواهی کذب در دنیای آخرت جایگاه شأن بهشت خواهد بود (که معنای مخالف آیه این مفهوم را می‌رساند که اظهارات خلاف واقع (شاهد یا مطلع) موجب کیفر همیشگی آنان خواهد شد). خداوند متعال در آیه ۱۵۰ سوره انعام همچنین می‌فرماید: «قُلْ هَلْ مَسَّ شَهْدَاءُكُمْ الَّذِينَ يَشْهَدُونَ أَنَّ اللَّهَ حَرَّمَ هَذَا فَإِنْ شَهِدُوا فَلَا تَشْهَدُ مَعَهُمْ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَ الَّذِينَ كَذَبُوا بِآيَاتِنَا وَالَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ وَهُمْ بِرَبِّهِمْ يُعْدِلُونَ» بگو: گواهان خود را بیاورید بر این که خدا این را و آن را حرام کرده. پس هرگاه گواهی دادند (چون دروغ می‌گویند) تو با آن‌ها گواهی مده و پیروی مکن از هوای نفس آن‌ها که آیات خدا را تکذیب کردند و به قیامت ایمان نمی‌آورند و برای خدای خود همتا قرار می‌دهند. البته در این راستا وجوب ادای شهادت و حرمت کتمان آن که در آیات قرآنی دیگر آمده را مورد بررسی قرار می‌دهیم. در ۱۷ آیه از قرآنی واژه کتمان و مشتقات آن به کار رفته که در ۱۶ مورد خداوند کتمان حقیقت را مذموم دانسته و به کتمان کننده هشدار داده است. (ر.ک: بقره/۶۱، ۹۹، ۳۳، ۱۸۷؛ نساء/۳۷ و ۴۲؛ مائده/۲۸، ۱۶۷، ۱۷۴ و ۲۲۸؛ آل عمران/۷۱، ۷۲، ۱۴۰، ۱۴۶ و ۱۵۹) که از این بین دو آیه درباره کتمان شهادت است:

وَلَا نَكْتُمُ شَهَادَةَ اللَّهِ إِنَّا إِدَا لَمِنَ الْأَثِمِينَ (مائده/۱۰۶): شهادت الهی را کتمان نمی‌کنیم که [اگر کتمان حق کنیم] در این صورت از گناهکاران خواهیم بود؛ بَوْمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ كَتَمَ شَهَادَةً عِنْدَهُ مِنَ اللَّهِ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ (بقره/۱۴۰) کیست ستمکارتر از آن کس که شهادتی از خدا را در نزد خویش پوشیده دارد و خدا از آنچه می‌کنید غافل نیست. بدین ترتیب شهادت حقی است که خداوند آن را بین بندگان خود مقرر فرموده و بر ایشان واجب است که آن را بدون تحریف آن‌چنان که هست، اقامه کنند و چیزی از آن را کتمان نمایند، همچنان که از همین نظر گفته می‌شود «دین خدا» دین، روش بندگان خداست و نیز فرموده است: [و اقیمو الشهاده لله... و لا تکتمو الشهاده] (طباطبایی، ۶/۱۳۶۲/۲۸۷).

با عنایت به آیات پیش گفته می‌توان ادعا کرد اظهارات خلاف واقع (شاهد یا مطلع) در زمره گناهی است که حرمت آن مبنای قرآنی دارد و در قرآن به مرتکب آن، وعده عذاب شده است. از همین رو با عنایت به اینکه گناهان کبیره گناهی هستند که در قرآن یا روایات برای ارتکاب آن‌ها وعده عذاب شده است، می‌توان آن را جزء گناهان کبیره قلمداد کرد.

۲-۱-۲- روایات اسلامی

در منابع روایی با احادیث متعددی در خصوص حرمت اظهار خلاف واقع (شاهد یا مطلع) مواجهیم

از جمله صحیح‌ه هشام بن سالم از امام صادق علیه‌السلام که فرمودند «شاهد دروغین [بعد از شهادت] تا این که آتش جهنم بر او واجب می‌شود قدمی بر نمی‌دارد [یعنی هموز قدمی از قدم برداشته است که آتش جهنم بر او واجب خواهد شد]» (عاملی، ۱۴۰۹، ۳۲۴). در روایت دیگر معتبره سکونی از امام صادق علیه‌السلام که درباره شاهد دروغین می‌فرماید «رسول خدا صلی‌الله علیه و آله و سلم فرمودند: ای علی، زمانی که ملائکه مرگ فرود می‌آید که جان کافر را بگیرد، به همراه او سیخ آتشین فرود می‌آید، پس روح او را از بدنش جدا می‌کند و دوزخ فریاد می‌زند. علی علیه‌السلام فرمود آیا به احدی از امت شما ضرر می‌زند؟ رسول خدا (ص) فرمودند: آری، به حاکم جابر، به کسی که مال یتیم را به ناحق می‌خورد و به شاهد دروغین (همان، ۳۲۴) پیامبر اکرم (ص) در حدیثی می‌فرماید: هر که شهادتی را کتمان کند یا شهادتی دهد که خون مسلمانی را پایمال کند، یا مال مسلمانی را از بین ببرد، روز قیامت در حالی آورده شود که چهره‌اش تاریک است و ظلمت آن تا جایی که چشم کار می‌کند، کشیده شده است و در صورتش خراش‌هایی است و مردمان او را به نام و نسبتش می‌شناسند. (مجلسی ۱۳۷۴/۹، ۳۱۱)

در صحیح‌ه محمد بن مسلم از امام صادق علیه‌السلام، درباره شاهد دروغین (سؤال گردید) چگونه باید توبه کند؟ ایشان فرمود: «در صورتی که شخص دیگری به همراه او شهادت داده باشد باید مقدار مالی را که با شهادت او از بین رفته، از مال خود بدهد، اگر نصف باشد نصف و اگر یک سوم باشد یک سوم». (عاملی، پیشین، ۱۴۰۹) امام صادق (ع) همچنین در خصوص شاهد دروغین می‌فرماید: شاهد دروغ از جای نمی‌جنبد، مگر اینکه آتش بر او واجب شود (کلینی ۱۴۰۷/۷، ۳۸۳) و امام محمدباقر (ع) نیز درباره کیفر کسی که شهادت دروغ داده می‌فرماید: شاهد دروغ‌گو تازیانه می‌خورد؛ اما مقدارش مشخص نیست و طبق نظر امام است. (محقق داماد، ۲۲۸، ۱۴۰۶)

ضمناً در خصوص تحلیل مبانی فقهی معرفی عمومی و تشهیر مرتکبین شهادت زور گفتنی است که در متون روایی امامیه، سه روایت، از سماعه بن مهران، غیاث بن ابراهیم و عبدالله بن سنان درباره‌ی مشروعیت تشهیر شاهد زور، وارد شده است که همگی از امام صادق (ع) نقل حدیث می‌کنند. یکی از این روایات به طرق مختلف، از امام صادق (ع) فرمودند: «از امام صادق (ع) نقل شده است که می‌گوید: امام صادق (ع) فرمودند: شاهدان زور، به تعداد نامعین و به تشخیص امام، تازیانه می‌خورند و گردانده می‌شوند تا شناخته شده و بار دیگر، تکرار نکنند. سماعه گفت: پرسیدم: اگر توبه کند خود را اصلاح نمایند شهادتشان در موارد بعد از این، پذیرفته می‌شود؟ فرمودند: هرگاه توبه کنند، خدا نیز بدان‌ها روی می‌کند و بعد از این شهادتشان پذیرفته می‌شود» (شیخ صدوق، ۱۴۱۳، ۳، ۵۹، ح ۳۳۳۲؛ صدوق ۱۴۰۶، ۲۶۹، ح ۴؛ جرعاملی ۱۴۰۹، ۲۷، ۳۳۳).

روایت دوم از غیاث بن ابراهیم است که از امام صادق (ع) و ایشان از پدرشان امام محمدباقر (ع)

نقل می‌کنند که فرمودند: «امیرالمؤمنین علی(ع) هرگاه شاهد زور را دستگیر می‌کردند، در صورتی که انسان غریبه‌ای بود او را به محله خودش و اگر از بازاریان بود او را به بازار می‌فرستادند تا در آنجا گردانده شود؛ سپس وی را برای چند روز زندانی کرده و بعد از آن آزاد می‌نمود» (شیخ صدوق، ۱۴۱۳، ۳، ۵۹، ح ۱۳۳۳؛ حر عاملی، ۱۴۰۹، ۲۷، ۳۳۴)

روایت سوم، حدیث عبدالله سنان از امام صادق(ع) است که آن حضرت فرمودند: «شاهدان زور، به مقداری که حاکم، تشخیص بدهد، تازیانه خورده و گردانده می‌شوند تا مردم آنان را بشناسند. سپس امام این آیه را تلاوت نمودند «و کسانی که زنان پاکدامن را متهم می‌کنند، سپس چهار شاهد (بر مدعی خود) نمی‌آورند آن‌ها را هشتاد تازیانه بزنید و شاهدشان را هرگز نپذیرید و آن‌ها همان فاسقانند مگر اینکه توبه نمایند (نور، ۴)». پرسیدم که توبه آنان چگونه فهمیده می‌شود، فرمودند خودش را در حضور مردم و همان‌جا که تازیانه خورده است، تکذیب می‌کند و از پروردگار خودش طلب مغفرت می‌نماید و هر وقت چنین کند، آشکار می‌شود که توبه کرده است» (شیخ صدوق ۱۴۱۳، ۳، ۶۰؛ حر عاملی، ۱۴۰۹، ۲۷، ۳۳۴) بر پایه روایات با حرمت اظهارات خلاف واقع (شاهد یا مطلع) مواجهیم و با عنایت به وعده عذاب در روایات فوق، استفاده می‌گردد که شهادت کذب در زمره گناهان کبیره است بنابراین با عنایت به قاعده فقهی [التعزیر لكل عمل محرم] یا [كل من فعل محرم محرما او ترک واجبا واجبا، يعجزر] نیز ضرورت جرم انگاری اظهارات خلاف واقع مطلع قابل استنباط است.

۳-۱-۲- اقوال فقهای اسلامی

اظهارات خلاف واقع (شاهد یا مطلع) از آن دسته از جرایمی است که از طرف شارع مقدس، برای آن حد مقدری تعیین در نظر گرفته نشده است؛ لذا لازم است بر شاهدان کذب، تعزیر اجرا گردد که از این لحاظ هیچ‌گونه اختلاف نظری بین فقهای امامیه و اهل سنت وجود ندارد، اگرچه در کیفیت تعزیر بین آن‌ها اختلاف است و ظاهراً به علت ضررهایی که ممکن است، از وجود چنین افرادی در جامعه به وجود آید، تشهیر وی لازم و ضروری دانسته شده است تا مردم او را شناخته و از او حذر کنند. اقوال فقهای امامیه، حاکی از این است که در بین آن‌ها، هیچ‌گونه اختلاف نظری در مورد تعزیر شاهد کذب، همراه با تشهیر وی وجود ندارد. (طوسی، ۱۴۰۷/۶، ۲۴۰؛ نجفی، ۱۳۶۳/۴۱، ۲۵۳؛ طبرسی، ۱۴۱۰/۲، ۵۲۷؛ موسوی خمینی، ۱۴۲۱/۲، ۷۳۵).

البته برخی از آنان با لفظ «یجب»، قائل به وجوب تشهیر شده و دسته دیگر با عبارت «ینبغی»، اراده استحباب نمودند. از جمله فقهای که قائل به وجوب تشهیر در شهادت کذب هستند، می‌توان به ابن دراج در المذهب (۱۴۰۶/۲، ۵۶۴)، امین الاسلام طبرسی در المؤتلف (۱۴۱۰/۲،

۵۲۷)، قطب‌الدین کیدری در إصباح الشیعه (۱۴۱۶، ۵۲۵)، محقق حلی در المختصر المنافع (۱۴۰۷/۲)، ۲۹۱)، علامه حلی در تبصره المتعلمین (۱۴۱۱، ۱۸۴)، فاضل مقداد در التفتیح الرائع (۱۴۰۴/۴)، ۳۲۵)، نراقی در مستند الشیعه (۱۴۱۵/۱۸، ۴۳۲)، صاحب‌الریاض در ریاض المسائل (۱۳۹۷/۲)، ۳۵۹)، خوانساری در جامع المدارک (۱۴۰۲/۶، ۱۶۱)، امام خمینی (ره) در تحریر الوسیله (۱۴۲۱/۲)، ۷۳۵)، خویی در تکمله المنهاج (۱۴۲۲، ۴۱۹) و فاضل لنکرانی در تفصیل الشریعه (۱۴۲۰/۲۸، ۳۲) اشاره نمود. شیخ مفید در المقنعه (۱۴۱۰، ۷۹۵) و شیخ طوسی در النهایه (۱۴۱۰، ۳۳۷)، از جمله به استحباب تشهیر در شاهد زور هستند.

صاحب‌جواهر، در بیان مجازات شاهد زور، می‌نویسد: «تعزیر شاهد زور واجب است و خلافی در آن نیست و حاکم می‌تواند به وسیله تازیانه یا ندا دادن بین قبیله و محله‌اش (تشهیر) او را تعزیر کند تا دیگران از انجام چنین کاری خودداری کنند» [نجفی، پیشین، ۲۵۳].

آیت‌الله سید ابوالقاسم خویی، در کتاب مبانی تکمله المنهاج در خصوص شهادت دروغ ذکر نموده شهادت دادن به ناحق حرام است و جزء گناهان کبیره می‌باشد، پس اگر دو شاهد به دروغ شهادت دهند و حاکم طبق شهادت آن دو رای صادر نماید، سپس نزد قاضی ثابت شود که شهادت آنان به دروغ بوده است، حکم او نقض می‌شود. در این صورت، اگر [محکوم به] از اموال باشد، هر دو شاهد ضامن آن می‌باشند، که اگر عین مال باقی باشد، بازگرداندن آن به صاحبش واجب است و در صورتی که عین مال باقی نباشد، باید غرامت بدهند، همچنین [مشهود له] نیز در صورتی که از وضعیت آگاه باشد، ضامن است، ولی در صورتی که از وضعیت بی‌خبر باشد، ظاهر این است که ضامن نمی‌باشد، بلکه پرداخت غرامت و خسارت بر عهده دو شاهد است و در صورتی که [محکوم به] جزء اموال نباشد، مانند: قطع دست، قتل، سنگسار و موارد شبیه به آن، از شاهد (دروغین) قصاص می‌شود. (خویی، ۱۳۸۴، ۲۲۸-۳۰۰).

بنابراین در شهادت دروغ بر اساس نتیجه‌ای که بر عمل شاهد مترتب می‌شود حکم به مجازات وی صادر می‌شود.

۲-۳- توجیهات عرفی

نماد مداخله حقوق جزا، جرم است. به عبارت دیگر قانون‌گذار کیفری با جرم‌انگاری یک رفتار به حقوق کیفری اجازه مداخله در آن رفتار را می‌دهد. جرم‌انگاری فرایندی است که به موجب آن قانون‌گذار با در نظر گرفتن هنجارها و ارزش‌های اساسی جامعه و با تکیه بر مبانی نظری مورد قبول خود، فعل یا تک فعلی را ممنوع و بر آن ضمانت اجرای کیفری وضع می‌کند. (آقابابایی، ۱۳۸۴، ۱۱-۱۲) در این خصوص اصول بنیادین جرم‌انگاری را به صورت مختصر مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۱-۲-۳- اصل لاضرر

اصل لاضرر از اساسی‌ترین و معروف‌ترین قواعد فقه اسلامی است و اسلام این اصل را ۱۴۰۰ سال پیش، تحت عنوان [لاضرر و لا ضرار فی الاسلام] مطرح کرده است و می‌توان گفت که کامل‌ترین و مترقی‌ترین نظام حقوقی دنیا است (محقق داماد، ۱۳۶۶: ۶۷). در این اصل بین ضرر و ضرار تفاوت قائل شده‌اند. کاربرد واژه ضرر عموماً مربوط به امور مالی و جانی است. اما واژه ضرر عموماً مربوط به امور مالی و جانی است، اما واژه ضرار کاربرد وسیع‌تری دارد و در تحریر الوسیله مترادف با تضییع و اهمال و سختی و تلف به کار گرفته شده است. موارد استعمال واژه‌های ضرر و ضرار مبین این است که ضرر شامل همه خسارت‌ها و زیان‌هایی که بر دیگری وارد می‌شود، ولی ضرار درجایی استفاده می‌شود که شخص در پی استفاده از یک حق یا در پی امری که مجوز شرعی آن را دارد، به دیگری یا دیگران آسیب می‌رساند. (محقق داماد، ۱۳۹۲، ۱۴۱) به بیان دیگر، ضرار به معنای سوءاستفاده از حق است. این موضوع قبح عقلی هم دارد. عقل هم مؤید قبح ضرر و ضرار است. یعنی آسیب زدن به دیگران امری قبیح بوده و باید ممنوع شود.

هر نظام کیفری برای تعیین عناوین مجرمانه، یا به عبارت دقیق‌تر برای محدود کردن قلمرو آزادی‌های فردی و محدودی آزادی شهروندان، باید به توجیه این عناوین بپردازد. بر این اساس تنها رفتارهایی در حوزه کیفری جرم انگاری شده است که به دیگران ضرر می‌رسانند. به موجب این اصل، ضرر به غیر و پیشگیری از آن اولین دغدغه حقوق کیفری است و بر همین مبنا توجیه‌کننده مداخله کیفری برای دفع ضررهای وارده به شهروندان خواهد شد. دسترسی به امنیت قضایی را می‌توان از مهم‌ترین حقوق بنیادین بشر دانست و بر این اساس، نقض این حقوق به منافع شهروندان ضرر وارد کرده و توجیه‌گر مداخله کیفری دولت خواهد بود. از آنجاکه به حکم لاضرر و لا ضرار، زیان رساندن به خود و دیگران نهی شده است، عملی که به قصد اضرار انجام گیرد هرچند ظاهر آن مشروع باشد، به سبب وجود قصد اضرار نامشروع خواهد شد، فلذا، با عنایت به اینکه اظهار خلاف واقع مطلع در فرایند دادرسی منجر به قضاوت نادرستی در حیطه دعوای کیفری گردیده و موجبات ورود صدمه و ضرر می‌گردد، می‌بایست جرم انگاری گردد.

۲-۲-۳- اخلاق‌گرایی قانونی

از اصول مسلم اسلام این است که قوانین اسلام همواره در بستر تأمین و تضمین عدالت اجتماعی و اخلاق حرکت کند، این زیربنای فقه و حقوق ماست. پیامبر اسلام می‌فرماید: "انی بعثت لاتمم مکارم الاخلاق!" من مبعوث شدم تا مکارم اخلاق را در جامعه پیاده کنم و به کمال

برسانم. بنابراین یکی از امتیازات بسیار بزرگ اسلام همین اصل طبعیت قوانین از اخلاق است. بدیهی است آنجا که از حقوق اسلام سخن می‌گوییم مقصود ما از اخلاق، اخلاق دینی است. (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۵، ۲۳-۲۴)

اخلاق‌گرایی قانونی رویکردی است که زیان رساندن شخص به دیگران را تنها ملاک انحصاری جرم انگاری نمی‌داند. این دیدگاه امکان جرم انگاری رفتارها را به دلیل غیراخلاقی، مذموم بودن یا به علت مغایرت با معیارهای موردپذیرش افراد جامعه، فراهم می‌آورد. ارزش‌هایی که اخلاق‌گرایی قانونی برای محافظت از آن‌ها به جرم انگاری اقدام می‌نماید. به‌طور کلی بر اساس دیدگاه اخلاق‌گرایی قانونی، رفتار غیراخلاقی مستوجب مجازات است. زیرا در تقابل با ارزش‌های بنیادین و برتری هستند که برای حیات انسان ضروری هستند. یکی از نظریه‌پردازان و حقوقدانان تبیین‌کننده «اخلاق‌گرایی قانونی» پاتریک دولین می‌باشد، هدف اصلی وی از مطرح نمودن اخلاق‌گرایی قانونی، استدلال او بر حق همیشگی جامعه در وضع حکم اخلاقی برای شهروندان و حق استفاده از حقوق کیفری برای اجرای حکم بود و در واقع خلاصه استدلال او این است که جامعه، شایستگی این را دارد تا درباره هر یک از فعالیت‌های عمومی و خصوصی شهروندان داوری کند چون جامعه، بر اساس تعریف او، مجموعه‌ای از باورهای سیاسی و اخلاقی می‌باشد. این دلالت بر این دارد که جامعه مجموعه‌ای فراتر از افراد ساکن یک سرزمین است.

بنابراین، نتیجه تعریف جامعه به‌عنوان «یک اجتماع دارای باورهای مشترک» آن است که کسانی که بیرون از این باورها قرار دارند، برای دوام جامعه تهدید شمرده می‌شوند» (تیبیت، ۱۳۸۴، ۱۸۷) جرم انگاری در نظام کیفری ایران. بدین‌سان جرم انگاری رفتار غیراخلاقی اظهار خلاف واقع مطلع به‌طور غیرمستقیم در تقویت گرایش‌ها به اخلاقیات و تأمین بهتر نظم عمومی اثرگذار می‌باشد.

۳-۲-۳- اصل مصلحت عمومی

با مذاقه در محتوای این اصل مشخص می‌شود که اصل ضرر اگر به افراد حقیقی اختصاص نیابد می‌تواند مصلحت عمومی را نیز در بر گیرد. زیرا «انسان قادر به یافتن منافع مشترکی بین خود و اجتماع انسانی که جزیی از آن است می‌باشد به طوری که هر رفتاری که امنیت کلی جامعه را تهدید نماید برای آن فد نیز تهدید کننده می‌باشد. براین اساس حفظ نظم و آرامش جامعه یک مصلحت اجتماعی تلقی خواهد شد که دولت نگهبان آن می‌باشد و به همین جهت در زمره مصالح عمومی می‌باشد. (یکرنگی، ۱۳۸۹، ۵۰) از جمله مواردی که با ایجاد آرامش و نظم عمومی در جامعه می‌شود اجرای عدالت بر مدار قانون بوده که شهروندان نظاره گر آن باشند. لذا فرار خاطی و متخلف از زندان

سبب مخدوش شدن این انطباق اجتماعی می شود و از طرفی نگاهداری و بازداشت وی به واسطه اعمال مجرمانه ای که مرتکب شده و در نتیجه آن به حقوق شهروندان و جامعه لطمه وارد گردیده است خود به خود ایجاد روحیه آرامش و امنیت در جامعه را در ذهن متبادر می سازد، از این جهت جرم انگاری رفتارهایی که محل امنیت جامعه و برهم زنده آرامش و نظم عمومی شهروندان می باشد امری معقول و قابل توجیه است. بنابراین اظهارات خلاف واقع توسط مطلع، که واجد عواقب سوء در روند رسیدگی به پرونده ها و اطلاع دادرسی می باشد، موجبات اختلال درنظم عمومی را فراهم نموده و از این جهت ارتکاب این عمل را می توان بر همین مبنا، مجرمانه تشخیص داد.

۴-۲-۳- وحدت ملاک مبانی اظهارات خلاف واقع

جرم اظهارات خلاف واقع به مثابه جرم علیه عدالت قضایی به نحو مستقل مورد عنایت مقنن ایران نبوده است و صرفاً در ماده ۷۸ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح، اظهارات خلاف واقع را به عنوان یکی از مصادیق رفتار های مجرمانه نظامی جرم انگاری نموده است. (بیگی، ۱۳۹۸، ۱۲۸) ماده ۷۸ این قانون مقرر می دارد: هر نظامی به مناسبت انجام وظیفه عمداً گزارشی بر خلاف واقع به فرماندهان یا دیگر مقامات مسوول تقدیم نماید و یا حقایق را کتمان کند و یا با سوء نیت گزارشی با تغییر ماهیت یا به طور ناقص ارائه دهد و یا عمداً جرائم ارتكابی کارکنان تحت امر خود را به مقامات ذی صلاح گزارش ندهد و یا از گزارش آن جلوگیری نماید یا گزارشها و جرائم را به موقع اعلام نکند به مجازات های ماده مزبور محکوم می شود. جرم اظهارات خلاف واقع مانند اکثر جرائم، به شکل مثبت یعنی با فعل ارتکاب می یابد و ترک فعل حتی اگر توأم با سوءنیت باشد تحت عنوان شهادت کذب قابل تعقیب نیست. برای مثال چنانچه شخصی شاهد ارتکاب فعل مجرمانه بوده و جهت مساعدت به متهم از اعلام جرم به مقامات ذی ربط و یا ادای شهادت در نزد مراجع مربوطه امتناع کند، تحت عنوان شهادت کذب قابل تعقیب نیست؛ زیرا مقنن در ماده ۶۵۰ تنها ادای شهادت یعنی ارتکاب فعل مثبت را جرم انگاری نموده است. البته برخی از حقوقدانان گواهی خلاف واقع را برابر با گواهی دروغ تلقی نموده یا اینکه دست کم آن را رکن مادی بزه گواهی کذب دانسته، آن چنان که دربند (ث) ماده ۴۷۴ قانون آئین دادرسی کیفری نیز فقط این گواهی را موجب اعاده دادرسی قلمداد کرده و دادگاهها نیز بر اساس رای وحدت رویه ۳۷۰۰ در صورت صدور حکم قطعی به گواهی کذب، آن را وفق بند (ث) ماده ۴۷۴ قانون آئین دادرسی کیفری موجب اعاده دادرسی می دانند. (محسنی، ۱۳۹۶، ۲۵۰) رویه قضایی فرانسه نیز بر این مبنا است که پنهان کردن حقیقت ولو برای رهایی از تعقیب باشد مجازات شهادت کذب را در بر خواهد داشت. منظور از کذب بودن اظهارات ادا شده این است که شاهد حقیقت را به ضرر یکی از طرفین قلب نماید، اعم از اینکه طرف دعوی اشخاصی ذینفع مانند شاکی و

خواهان یا دادستان و سایر نهادهای عمومی باشند، به دیگر سخن شاهد با اظهارات خویش سعی در وارونه جلوه دادن مشهود به داشته باشد. ذکر این مطلب نیز ضروری به نظر می‌رسد که قلب حقیقت باید به واسطه اظهارات شاهد رخ داده باشد نه عدم بیان موضوع. به دیگر سخن در صورتی که شاهد حقایق را به نحوی بیان نماید که دروغ نبوده ولی به علت اینکه تمام حقیقت را نگفته و مشهود به وارونه جلوه داده شود، و موضوع در نظر دادگاه مشتبه گردد نمی‌توان مدعی ارتکاب بزه شهادت کذب شد. (آشوری، ۱۰۰، ۱۳۸۳) در این زمینه باید اذعان نمود هرچند در زمان ادای توضیحات مطلع التزام خود را از طریق اتیان سوگند به راست‌گویی و بیان تمامی حقایق اعلام می‌کند، ولی زمانی وارونه جلوه دادن حقیقت توسط شاهد جرم و قابل تعقیب تحت عنوان اظهارات کذب است که قلب حقیقت به علت دروغ بودن اظهارات شاهد صورت گرفته باشد، نه به عدم بیان حقایق؛ زیرا بزه بیان اظهارات کذب از طریق فعل محقق می‌گردد نه ترک فعل. پس با این توضیحات عدم بیان تمام مآلقات توسط شاهد حتی اگر توأم با سوءنیت شاهد بوده و منجر به قلب حقیقت گردد، تحت عنوان شهادت کذب قابل تعقیب نیست. ذکر این مطلب بجاست که هرچند شاهد برخلاف سوگند خویش اقدام نموده ولی عمل وی را نمی‌توان مشمول ماده ۶۴۹ ق.م. دانست. چراکه ماده اشعاری در خصوص اتیان سوگند دروغ (سوگند اثباتی است نه نقض و عدم پایبندی به سوگند) به عبارت بهتر مشمول سوگند التزامی نمی‌شود.^۱ بنابراین یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که حرمت اظهار خلاف واقع در فقه اسلامی، امری پذیرفته شده است، در حالی که در حقوق ایران به نحو صریح جرم انگاری نشده است. بنابراین با عنایت به قاعده فقهی [التعزیر لکل عمل محرّم] ضرورت جرم انگاری اظهارات خلاف واقع مطلع قابل استنباط است.

۴- نتیجه‌گیری و پیشنهادها

اظهارات خلاف واقع علاوه بر عواقب سوء در روند رسیدگی به پرونده‌ها و اطاله دادرسی، موجب بدبینی مردم به دستگاه قضاء می‌گردد، قانون‌گذار ایران به دلیل نبود فصلی مستقل با نام جرایم علیه عدالت قضایی توجه خاصی به جرم اظهارات خلاف واقع مطلع به مثابه جرم علیه عدالت قضایی ننموده، اما به نظر می‌رسد می‌توان حداقلی از مجازات ماده ۶۵۰ تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ در رابطه با شهادت کذب را در بزه اظهارات خلاف واقع مطلع به منصفه اجرا گذاشت. لازم به ذکر است

۱- اما این عمل (نقض سوگند التزامی) در صورتی که توسط وکیل صورت پذیرد موضوع چهره دیگری خواهد یافت و هرچند عمل وی جرم نیست، اما می‌توانست مشمول اطلاق ماده ۸۱ آیین نامه قبلی لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری مصوب ۱۳۳۴ گردد که اشعار می‌داشت: «اگر وکیل برخلاف سوگندی که یاد کرده است عمل نماید به مجازات انتظامی درجه ۵ محکوم خواهد شد» هر چند که قبول این امر تفسیر موسع از ماده مذکور است.

که ارائه اطلاعات خلاف واقع در قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح نیز مورد جرم انگاری قرار گرفته است آنچنان که ماده ۷۸ این قانون مقرر می‌دارد: هر نظامی به مناسبت انجام وظیفه عمداً گزارشی بر خلاف واقع به فرماندهان یا دیگر مقامات مسوول تقدیم نماید و یا حقایق را کتمان کند و یا با سوء نیت گزارشی با تغییر ماهیت یا به طور ناقص ارائه دهد و یا عمداً جرائم ارتكابی کارکنان تحت امر خود را به مقامات ذی صلاح گزارش ندهد و یا از گزارش آن جلوگیری نماید یا گزارشها و جرائم را به موقع اعلام نکند به مجازات های ماده مزبور محکوم می‌شود. هم‌چنین در سند تحول قضایی (عامل ۴ از چالش ۱ ماموریت ۱ از فصل دوم) که در تاریخ ۱۳۹۹/۰۹/۳۰ به تصویب ریاست محترم قوه قضائیه رسیده ۲ راهبرد در جهت اظهارات خلاف واقع برخی از شهود و مطلعین تبیین شده است اولین راهبرد افزایش کیفیت اخذ شهادت شهود و مطلعین بوده که با دو راهکار مشخص گردیده است. اولین راهکار فراهم سازی امکان دسترسی برخط قضات به پایگاه‌های اطلاعاتی مراجع حاکمیتی به منظور اعتبار سنجی شهادت شهود و مطلعین (مرکز آمار و فناوری اطلاعات، دادگستری استان‌ها - میان مدت) و دومین راهکار کاربرد استاندارد اخذ شهادت شهود و مطلعین در «در سامانه مدیریت پرونده» (معاونت راهبردی، مرکز آمار و فناوری اطلاعات - کوتاه مدت)، می‌باشد. دومین راهبرد افزایش تبعات شهادت کذب بوده که با دو راهکار مشخص گردیده است. اولین راهکار ایجاد «سامانه شهود و مطلعین» به منظور ثبت اطلاعات هویتی شاهد، مطلع و موضوع شهادت (مرکز آمار و فن‌آوری اطلاعات - کوتاه مدت) و دومین راهکار متناسب سازی و افزایش بازدارندگی مجازات شهادت کذب در مراحل رسیدگی با افزودن محدودیت‌های اقتصادی و اجتماعی به مجازات قانونی شهادت کذب متناسب با موضوع شهادت با اصلاح قوانین و مقررات مرتبط (معاون حقوقی و امور مجلس - میان مدت)، می‌باشد. رویکرد سند تحول قضایی در این خصوص می‌تواند سبب جرم انگاری رفتار خلاف واقع متهم و سزادهی مرتکب آن به جهت اخلاص در فرایند دادرسی به عنوان یکی از جرایم علیه عدالت قضایی گردد. علاوه بر متون قانونی فوق از آنجاکه ارائه اطلاعات خلاف واقع به مقام قضایی می‌تواند سبب انحراف ذهن مقام قضایی شود این عمل خلاف نظم عمومی می‌باشد، صرف این عمل مجرمانه بوده و بایستی در راستای حراست از فرایند مقدس دادرسی و نیز مقام و شأن دادرسی یا قاضی تحقیق اراده اطلاعات غلط و کذب قابل سزادهی باشد. با عنایت به آنچه آمد، برای مقابله با رفتار خلاف واقع مطلع به مثابه جرم علیه عدالت قضایی، پیشنهادهای زیر قابل توجه است: ۱- ایجاد بسترهای فرهنگی و اجتماعی قبل از جرم انگاری رفتار اظهار خلاف واقع مطلع که موجب کارآمدی این واکنش در فرایند رسیدگی خواهد بود. ۲- جرم انگاری هرچه سریعتر اظهارات خلاف واقع مطلع جهت جلوگیری از ضرر به غیر و اخلاص در فرایند رسیدگی بر پایه آیات و روایات و قاعده فقهی [التعزیر لکل عمل محرم] یا [کل من فعل محرم او ترک واجبا واجبا، یعزر]. ۳- مقنن تشهیر مطلع را در صورت ادای اظهارات خلاف واقع به همراه تعزیر وی از جمله کیفیات مشدده این جرم قرار دهد. ۴- در راستای پیشگیری از

بزه اظهار خلاف واقع توسط مطلع عدول وی قبل از صدور حکم از جمله موارد مخففه و یا معافیت از کیفر قرار گیرد.

منابع و مأخذ

کتاب

- ۱- قران کریم.
- ۲- آشوری، محمد (۱۳۸۳). آیین دادرسی کیفری (چاپ چهارم). تهران: انتشارات سمت.
- ۳- ابن ادریس حلی، محمد بن منصور بن أحمد (۱۴۱۰ق). السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- ۴- ابن براج، عبدالعزیز (۱۴۰۶ق). المهذب. دفتر انتشارات اسلامی، قم: چاپ اول.
- ۵- انصاری دزفولی، مرتضی بن محمد امین (۱۴۱۵ق). القضاء و الشهادات (للشیخ الأنصاری). مجموعه مقالات کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری. قم.
- ۶- بحرانی آل عصفور، یوسف بن احمد بن ابراهیم (۱۴۰۵ق). الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة (چاپ اول). قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- ۷- بوشهری، جعفر (۱۳۸۷). حقوق جزا (چاپ دوم). تهران: نشر شرکت سهامی انتشار.
- ۸- پوربافرانی، حسن (۱۳۹۵). جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی (چاپ دوم). تهران: انتشارات جنگل.
- ۹- تیبیت، مارک (۱۳۸۴). فلسفه حقوق. مترجم، حسین رضایی خاوری. مشهد: انتشارات علوم انسانی رضوی.
- ۱۰- جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۸۳). ترمینولوژی حقوق (چاپ چهاردهم). تهران: انتشارات گنج دانش.
- ۱۱- جوانمرد، بهروز (۱۳۸۹). فرآیند دادرسی در حقوق کیفری ایران (چاپ اول). تهران: انتشارات بهنامی.
- ۱۲- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹). وسائل الشیعه (چاپ اول). قم: موسسه آل البيت (ع).
- ۱۳- خوانساری، احمد (۱۴۰۲ق). جامع المدارک. تعلیق علی غفاری. تهران: مکتب الصدوق.

- ۱۴-دیانی، عبدالرسول(۱۳۸۹). ادله اثبات در امور مدنی و کیفری(چاپ اول). تهران: انتشارات میزان.
- ۱۵-شریعتی، روح الله(۱۳۸۷). قواعد فقه سیاسی. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- ۱۶-شکری، رضا و سیروس، قادر(۱۳۸۵). قانون مجازات اسلامی در نظم حقوقی کنونی(چاپ پنجم). تهران: نشر مهاجم.
- ۱۷-صدوق قمی، محمد بن علی بن بابویه(۱۴۱۳). من لایحضره الفقیه. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- ۱۸-صدوق قمی، محمد بن علی بن بابویه(۱۴۰۶). ثواب الاعمال و عقاب الاعمال. بی جا: دارالشریف الرضی.
- ۱۹-طباطبایی، سید محمد حسین(۱۳۶۲). المیزان فی تفسیر القرآن(چاپ چهارم). تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- ۲۰-طباطبایی، سید علی(۱۳۹۷ق). ریاض المسائل فی بیان احکام الشرع بالدلائل. قم: موسسه نشر اسلامی.
- ۲۱-طبرسی، فضل بن حسن(۱۴۱۰ق). المؤتلف من المختلف بین ائمه السلف(چاپ اول). مشهد: مجمع البحوث الاسلامیه.
- ۲۲-طوسی، محمد(۱۴۰۷ق). الخلاف(چاپ اول). قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- ۲۳-طوسی، محمد(۱۴۱۰ق). النهایه فی مجرد الفقه و الفتاوی(چاپ دوم). بیروت: دارالکتب العربی.
- ۲۴-عاملی، حر، محمد بن حسن(۱۴۰۹ق)، وسائل الشیعه(چاپ اول). قم: انتشارات موسسه آل البیت علیهم السلام.
- ۲۵-علامه حلی، حسن(۱۴۱۱ق). تبصره المتعلمین فی احکام الدین. تهران: موسسه طبع و نشر وابسته به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ۲۶-فاضل لنکرانی، محمد(۱۴۲۰ق). تفصیل الشریعه فی شرح تحریر الوسیله(القضا و الشهادات). قم: مرکز فقهی ائمه اطهار(ع).
- ۲۷-فاضل مقداد، جمال الدین(۱۴۰۴ق). التنقیح الرائع لمختصر الشرائع، محقق: سید عبداللطیف حسینی، کوهکمری(چاپ اول). قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
- ۲۸-فرهودی نیا، حسن(۱۳۸۱). جرائم ناقص(چاپ اول). تهران: انتشارات فروزش، تهران.

- ۲۹- کاشانی، سید محمود (۱۳۸۳). استانداردهای جهانی دادگستری (چاپ اول). تهران: نشر میزان.
- ۳۰- کلینی، محمد (۱۴۰۷ق). الکافی (چاپ چهارم). قم: دارالکتب الاسلامیه.
- ۳۱- کیدری، قطب‌الدین محمد (۱۴۱۶ق). إصباح الشیعه بمصباح الشیعه، محقق: شیخ ابراهیم مراغی، چاپاول. قم. موسسه امام صادق(ع).
- ۳۲- مجلسی، محمدباقر بن محمد تقی (۱۳۷۴). بحار الانوار الجامعه لدرر الاخبار الائمه الاطهار (چاپ سوم). تهران: کتاب فروشی اسلامی.
- ۳۳- محقق حلی، جعفر (۱۴۱۸ق). مختصر المنافع. قم: موسسه مطبوعات دینی.
- ۳۴- محقق داماد، سید مصطفی (۱۴۰۶ق). قواعد فقه. تهران. مرکز نشر علوم اسلامی.
- ۳۵- محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۶۶). قواعد فقه (چاپ دوم). تهران. چاپخانه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ۳۶- محقق داماد، سید مصطفی، (۱۳۸۵). قواعد فقه (بخش سیزدهم). تهران. انتشارات مرکز نشر علوم اسلامی.
- ۳۷- محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۹۲). قواعد فقه. تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
- ۳۸- مفید، محمد (۱۴۱۰ق). المقنعه (چاپ دوم). قم: موسسه نشر اسلامی.
- ۳۹- موسوی خمینی، روح الله (۱۴۲۱ق). تحریر الوسیله (چاپ اول). تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- ۴۰- موسوی خویی، سید ابوالقاسم (۱۳۹۴). مبانی تکمله المنهاج (چاپ اول). قم: انتشارات حقوق اسلامی.
- ۴۱- نجفی، محمد حسن (۱۳۶۳). جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام (چاپ اول). تهران: دارالکتب الاسلامی.
- ۴۲- نراقی، محمد مهدی (۱۴۱۵ق). مستند الشیعه فی احکام الشیعه فی احکام الشریعه (چاپ اول). مشهد: موسسه آل بیت(ع).

مقاله

- ۴۳- آقابابایی، حسین (۱۳۸۴). گفتمان فقهی و جرم انگاری در حوزه جرایم علیه امنیت ملت و دولت، فقه و حقوق، دوره ۲، شماره ۵، ص ۱۱-۴۲.
- ۴۴- ابهری، حمید؛ تقی پور درزی نقیعی، محمد حسین (۱۳۹۸). بررسی فقهی و حقوقی ارزش شهادت

- خوبشاوندان، پژوهش های فقه و حقوق اسلامی، دوره ۱۵، شماره ۵۶، ص ۱۱-۳۲.
- ۴۵- بیگی، جمال، جرم انگاری کتمان شهادت و چالش های آن در حقوق ایران (۱۳۹۶). آموزه های حقوق کیفری، دوره ۱۴، شماره ۱۴، ص ۱۴۵-۱۷۲.
- ۴۶- بیگی، جمال، نگاهی به جرم کتمان حقیقت و لزوم جرم انگاری آن به مثابه جرم علیه عدالت قضایی (۱۳۹۸). مجموعه مقالات در نکوداشت دکتر ایرج گلدوزیان. مجد. ص ۱۱۶-۱۲۹.
- ۴۷- جاور، حسین، هوشمند فیروزآبادی، حسین، نقض حیثیت معنوی در قلمرو شهادت شهود و جرح شاهد (۱۳۹۹). مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز، دوره ۱۲، شماره ۳، ص ۶۷-۹۱.
- ۴۸- کریمی، عباس؛ شکوهی زاده، رضا (۱۳۸۸). قاعده عدم پذیرش شهادت بر مسموعات و استثنائات آن در نظام کامن لا با نگاهی تطبیقی به حقوق ایران، فصلنامه حقوق مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۹، شماره ۱، ص ۲۱۵-۲۳۳.
- ۴۹- محسنی، حسن (۱۳۹۶). رجوع گواه از گواهی و اثر آن از منظر آئین دادرسی، مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز، دوره ۹، شماره ۱، ص ۲۴۳-۲۷۵.
- ۵۰- موسوی بجنوردی، سید محمد (۱۳۸۵). بررسی نقش اخلاق در فقه و حقوق با رو بکردی بر نظریات حضرت امام خمینی (س)، پژوهشنامه متین، دوره ۸، شماره ۳۲، ص ۳۳-۴۲.